

ساختار روان‌شناختی فاشیسم

| ژرژ باتای | سهانه مرادیانی |

The Psychological Structure of Fascism

| Georges Bataille | Samaneh Moradiani |

| چاپ دوم |



فهرست

۷	مقدمه مترجم
۱۱	ساختار روان‌شناختی فاشیسم
۱۲	I. بخش همسان جامعه
۱۴	II. دولت
۱۶	III. گسست‌ها، بحران‌های همسانی اجتماعی و دولت
۱۸	IV. هستی اجتماعی دگرسان
۲۶	نمونه‌هایی از عناصر دگرسان
۲۹	V. دوگانه‌انگاری بنیادین جهان دگرسان
۳۰	VI. فرم تحکمی هستی دگرسان: حاکمیت
۳۹	VII. تمرکز جهت‌مند
۴۰	VIII. ارتش و سران ارتش
۴۵	IX. قدرت مذهبی
۴۸	X. فاشیسم به عنوان فرم حاکم حاکمیت
۵۱	XI. دولت فاشیستی
۵۴	XII. شرایط بنیادین فاشیسم
۶۳	پی‌نوشت‌ها
۶۷	قدرت و امر قدسی . میشل اچ. ریچمن
۹۳	مرگ

مقدمه مترجم

حیوان می‌میرد. اما مرگ حیوان، شدنِ آگاهی اوست.

ژرژ باتای

باتای در سال ۱۹۶۲ مُرد. در مورد او چه می‌توان گفت؟ فیلسوفی دگرسان و نامتعارف؟ نیمی سوررئالیست و نیمی مردم‌شناس؟ نظریه‌پردازی ادبی که رمان‌های فلسفی می‌نوشت؟ انسان شریفی که میان‌مایگی کتابداری را به فعالیت شرافت‌مندانه در آکادمی ترجیح داد؟ یا همان‌طور که برتون او را نامید، «فیلسوف مدفوع»؟ راست آن است که در مورد او همه چیز می‌توان گفت و بسیار هم گفته‌اند. و باز می‌توان بر حجم این گفته‌ها افزود: با لحاظ کردن گرایش مارکسیسم ضداستالینیستی او، دست‌کم در طی سال‌های ۱۹۳۱-۳۴، و همراهی‌اش با سازمان سیاسی «ضد حمله»، و عجالتاً چرخش او از مارکس به نیچه، عضویت در انجمن سرّی «آسفال»، و چیزهایی از این دست.